

رسانه

مسئولیت روزنامه‌نگاران در عصر پریشانی



پژمان موسوی

● موضوع دقیقاً از یک سو،تفاهم یا سوء،داشت آغاز می‌شود؛ سوءتفاهمی که همه فضای روزنامه‌نگاری امروز ایران را دربرنودیده و می‌رود تا حاکم سپهر رسانه‌ای ایران شود؛ سوءتفاهمی که بازیگرانش تفاوت بهره‌گیری درست و منطقی از قابلیت‌های وب و جهان مجازی با انکای صرف و تام و تمام به آن را نمی‌دانند و این گونه می‌شود که نشریات مکتوب به‌ویژه روزنامه‌ها به جای انکا به گزارش‌های تولیدی و تحلیل‌های اختصاصی، به محلی برای عرضه هر آنچه در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی موجود است، تبدیل و نقش خبرنگار و روزنامه‌نگار در آنها به خربیار و روزی‌نامه‌نگار تبدیل می‌شود و مسئولیت روزنامه‌نگارانه به‌آسانی و بی‌هیچ دغدغه‌ای به کناری نهاده می‌شود. نه اینکه الزاما همه مطالب این روزی‌نامه‌هاکپی باشد، نه، سرخط‌ها و جهت‌گیری‌ها را اینترنت و فضای مجازی تعیین می‌کند. شاید از همین‌رو هم هست که دیگران روزها کمتر نشانی از خلاقیت را در برخی مطبوعات می‌توان دید،کمتر گزارشی خواننده را به وجد می‌آورد، کمتر پرداختی روی اخبار دریافتی و پوششی صورت می‌گیرد و مطالبی از این دست عموماً به شکل خام و دست‌نخورده منتشر می‌شود، کمتر گفت‌وگویی دل آدم را می‌برد و کمتر سرمقاله و یادداشتی خواننده از سر ذوق می‌آورد! دعروض تا دلتان بخواهد اخبار دست‌دوم،گفت‌وگوهای دم‌دستی، گزارش‌های توصیفی و نه تحلیلی، سرمقاله‌هایی که به همه‌چیز می‌ماند جز سرمقاله و یادداشت‌هایی سردستی و از همه مهم‌تر تکرار و تفسیر فیک‌نیوزها در لایه‌لای صفحات این دسته از روزنامه‌ها و نشریات مکتوب به چشم می‌خورد و این‌گونه می‌شود که خواننده می‌ماند و روزنامه‌هایی که همه‌چیز هستند جز حاصل تلاش تیمی هیئت تحریریه و شورای نویسندگانش در کنار یک سردبیری حرفه‌ای.
اماری که روز پنجشنبه سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعلام کرد، هم مؤید همین مسئله بود؛ او با ارائه نتایج آخرین بررسی‌ها اعلام کرد ایران رتبه پانزدهم بر‌خورداری از تلغن همراه را داراست، در ثبت دامنه، ایران جزء چهار کشور برتر جهان هست و در سال ۹۶، ۹۶ هزار ثبت دامنه و در سال ۹۷، یک میلیون و ۱۱ هزار دامنه در ایران ثبت شده است، ایران ۲۲ میلیون مشترک اینترنت دارد که ۱۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر آنها، ثابت هستند، ضریب نفوذ اینترنت، ۸۸.۸۶ درصد است که حدود ۸۳ درصد آن، مربوط به موبایل که در پنج سال به چهار برابر رسیده، گستره اینترنت در حال حاضر در همه شهرها ۸۶ درصد و در روستاها ۵۸ درصد داده‌ها است و... همه این آمارها هم به صورت غیرواستقیم و هم به صورت مستقیم به وضعیت این روزهای سپهر رسانه‌ای ایران و برخی نشریات مکتوبش مرتبط است؛ وقتی اینترنت تا به این حد در جامعه گسترش یافته است، خبرنگاران هم به همین نسبت خود را وابسته به آن می‌بینند و طبعاً همچون گذشته تلاش خاصی برای «تولید» نمی‌کنند و بدتر از همه اینکه در دام شایعات و خبرهای نادرست و غیرحقیق و بعضاً دروغ فضای مجازی می‌افتند؛ اتفاقاً خطای استراتژیک آنها دقیقاً در همین موضوع نهفته است، وقتی در فضای مجازی «کمیت» جای «کیفیت» و «پریشانی» جای «تمرکز» را می‌گیرد، روزنامه‌نگاران حرفه‌ای باید فرصت را مغتنم شمرده و نقش تاریخی خود را به‌دقت ایفا کنند و اجازه ندهند اصالت و درستی جای خود را به چیز دیگری دهد.پیش از ما بسیار روزنامه‌نگارانی بوده‌اند که هم دغدغه، هم سواد و هم مسئولیت روزنامه‌نگارانه داشته‌اند و در زمانه ما هم چنین افرادی هستند. فقط می‌ماند یک موضوع که در گذشته بود و امروز یا نیست یا بسیار کمرنگ شده است، اینکه روزنامه‌نگاران واقعاً «روزنامه‌نگاری»کنند، اتکابشان را فقط به صفحه مانیئور میز کارشان محدود نکنند، دغدغه کنکاش و کشف حقیقت را داشته باشند و از همه مهم‌تر به دنبال «آزادی» و «آگاهی» را رعایت استانداردهای مورد احترام همه روزنامه‌نگاران جهان باشند. جز این راهی نیست...

اتفاق

● **لامبورگینی جایی** : خانواده‌ای درصددند تا یک لامبورگینی را با پرینتر سه‌بعدی بسازند؛ لامبورگینی اوتنادوری که چنان شبیه واقعی خواهد بود که صاحبان شرکت را شگفت‌زده کرده است. پسر و پدری این پروژه جاه‌طلبانه را از فوریه ۲۰۱۸، تقریباً دو سال پیش، آغاز کرده‌اند. مدیر ارشد بازاریابی خودروهای لامبورگینی به رسانه‌ها گفته است: «وقتی ما من تماس گرفتند تا ایده را به من اطلاع دهند از تعجب می‌پرزدیم؛ این تماس مانند این بود که پاپ تماس بگیرد و بگوید قرار است برای شام بیاید». پدر خانواده، بکوس، می‌گوید: «این شرکت به آنها دو هفته لامبورگینی مورد نظر را قرض داده است و می‌خواهد این ایده را به آنها به‌طور مشترک دنبال کند. این لامبورگینی تقریباً ۶۴۰،۲۴۷ دلار قیمت دارد. من هر روز سوار اوتنادور می‌شدم و هرگز سخاوت شگفت‌انگیز آنها را فراموش نمی‌کنم. هرچند شرکت لامبورگینی به‌شدت مخالف کپی‌کردن اتومبیل‌های خود است، اما از نظر آنها این پروژه ادای احترامی برای یک پروژه استیم (علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات) است.

روزنامه شتر

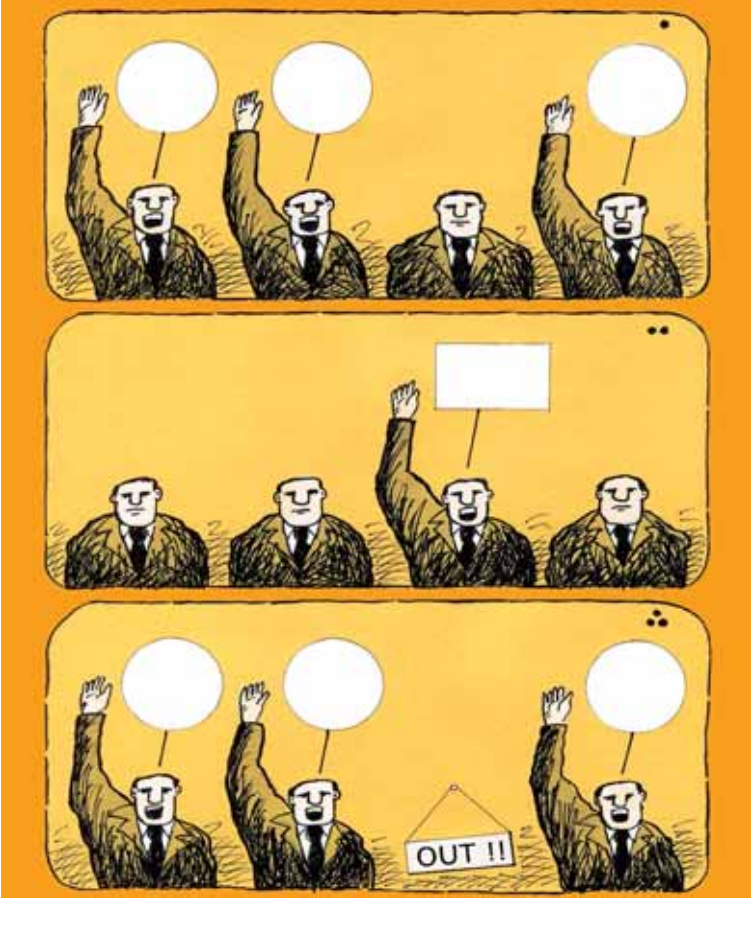
www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۸ دی ۱۳۹۸ ۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۹ سال هفدهم شماره ۳۶۰۹ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶ اذان مغرب ۱۷:۱۹ اذان صبح فردا ۵:۴۴ طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنارضا

کارتون خواب

تاوان چوتترا



تلنگر

سیاست‌گذاری اجتماعی و الزامات آن



سیدحسین موسوی‌چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی

یکی از وظایف دولت‌ها اتخاذ سیاست‌های مناسب در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که نتیجه این سیاست‌ها باید منجر به بالا رفتن شاخص‌های رفاه اجتماعی شود که درنهایت این افزایش شاخص‌های رفاه اجتماعی هم باید زمینه را برای «بزیستن اجتماعی» آحاد مردم فراهم کند تا از زندگی خود لذت ببرند و کیفیت زندگی‌شان به‌طور مستمر ارتقا یابد و شاهد وضعیت مطلوب سلامت اجتماعی در جامعه باشیم. یکی از راه‌های تحقق این شرایط اتخاذ سیاست‌های مناسب در حوزه‌هایی است که در بالا به آنها اشاره شد و بدون شک نقش پژوهش و یافته‌های پژوهشی در این زمینه بی‌بدیل خواهد بود. چهارشنبه و پنجشنبه گذشته «اولین جشنواره ملی پایان‌نامه‌های دانشجویی مسائل و آسیب‌های اجتماعی» ازسوی معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دانشگاه مازندران برگزار شد که می‌تواند آغاز باشد. شرایط موجود کشور در حوزه آسیب‌های اجتماعی می‌بکونه‌ای که موجب نگرانی جدی در میان مردم شده است؛ چراکه دود آسیب‌های اجتماعی به چشم آنان رفته و تأثیرات منفی آن را در زندگی و جامعه دیداند و موضوعی نیست که بتوان به‌آسانی از کنار آن گذشت؛ به همین دلیل ضروری است که در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی به این موضوع توجه جدی‌تری شود. من فکر می‌کنم که سیاست‌گذاری اجتماعی کاری شد دشوار و پیچیده ولی بسیار مهم و ضروری است. شناخت اندک من از این حوزه نشان می‌دهد که ما برای سیاست‌گذاری اجتماعی مشکلات متعددی داریم که به برخی از آنها اشاره می‌کنم. یکی از مشکلات ما در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی این است که بسیاری از کسانی که در حوزه اجتماعی سیاست‌گذارند، باوجود اینکه انسان‌های خوبی هستند ولی چند مشکل اساسی دارند؛ یکی اینکه دانش تخصصی حوزه اجتماعی را ندارند، دوم فهم دقیقی از سیاست‌گذاری اجتماعی و فرایند آن ندارند، مشکل سوم این است که اطلاعات دقیقی از حوزه اجتماعی ندارند و حتی اگر اطلاعات را از دیگران بگیرند، توان بهره‌گیری از این اطلاعات را برای سیاست‌گذاری مناسب ندارند و مشکل چهارم اینکه دغدغه اجتماعی را ندارند. پنجم، پیچیدگی مسائل و آسیب‌های اجتماعی و نوظهوربودن آنها به‌دلیل سیال‌بودن موضوعات اجتماعی است. ششم، غفلت از آینده‌نگری و آیندپژوهشی در حوزه اجتماعی

رشد دستگاه عاطفی مغز ما، اجتماعی‌شدن در طول تکامل نوعی و تکوینی‌مان را ممکن کرده است. وقتی که متولد می‌شویم، اولین وسیله برای ارتباط معنادار با محیط پیرامونی و عالم انسانی، دستگاه عاطفی نیمه‌مهیای مغز ما برای آموختن و تجربه‌اندوختن است. قوه تخیل، ادراک، عقل و منطق نیز در طول رشد برپایه دستگاه عاطفی ما شکل می‌گیرد. برخلاف قرن‌ها باور عمومی دال بر جدایی بدن، هیجانات و احساسات از منطق و عقل ما، علم امروز بر این باور کهنه خط بطلان می‌کشد. اگرچه نظام سرمایه‌داری نوین با تبلیغات گسترده و با کمک تکنولوژی دیجیتالی سوار بر باورهای عقب‌مانده، همچنان می‌خواهد به ما بقول‌اند که احساسات و منطق ما دو سیستم جداگانه هستند. نظام سرمایه‌داری با این فرغند می‌خواهد اکثریت جوامع را اسیر نیازهای اولیه زندگی نگه دارد. ما را عادت بدهد که به پاداش‌های زودگذر و لذت‌های کم‌دوام دل خوش داریم؛ زیرا هدف در جوامع امروزی، برقراری حاکمیت سرمایه و کسب سود از راه تولید هرچه بیشتر است. در این سیستم، نیازهای کاذب مهندسی‌شده ازطریق دستگاه عریض و طویل حاکمان نظام سرمایه‌داری اکثریت جامعه را به مصرف‌گرایی بیشتر سوق می‌دهد. سرمایه‌داری امروز از تمامی دانسته‌های مغزپژوهی اجتماعی استفاده می‌کند تا به این هدف برسد. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که مغز ما برای رسیدن به لذت‌های آنی می‌تواند اسیر مدارهای کوتاه و میان‌بر شود و چنان معتاد این عادت‌های مخرب شود که هدف‌ها و آرزوهای بلندمدت، قوه خیال، تفکر و خلاقیت با تانی انسانی خود را وانهد و به‌تدریج دلخوش به مصرف نیازهای کاذب ساخته دست سرمایه‌داری شود. در نتیجه اکثریت معتاد به دلخوشی‌های سهل‌الوصول از تصمیم‌گیری‌های مهم برای آینده خود و هم‌نوعان خود بازمی‌مانند و فقط عده‌ای نخبه وابسته به نظام سرمایه‌داری، سرنوشت اکثریت را تعیین می‌کنند. زیرا نظام سرمایه‌داری برای مصرفی بارآوردن اکثریت، مغز آنها را فقط برای لذت از نیازهای کاذب و گذرا به گروگان می‌گیرد و آنها را با دست خود در فریدت خویشان به بند می‌کشد.

دیوید کورت رابت، پژوهشگر کالج هساورد، در کتاب «عصر اعتیاد: چگونه عادات بد تجارت بزرگ راه می‌اندازند» (۲۰۱۹)، به چگونگی بهره‌برداری این نوع سرمایه‌داری لمبیمیک، در گروگان‌گیری مدارهای کوتاه و سریع لذت‌جویی مغز از طریق تکنولوژی دیجیتال می‌پردازد. او تنها از عصر اعتیاد که بیشتر دامن جوانان را می‌گیرد، صحبت نمی‌کند، بلکه از عصر اعتیاد مهندسی‌شده می‌گوید که بعد از پایان جنگ سرد، شروع شده است. هدف سرمایه‌داری نوین به‌زندان‌کشیدن مغزها و معتادکردن اکثر آدم‌های مصرف‌کننده به خوشی‌های قرضی، اجاره‌ای و تمکین به سوسه‌های مدرن است. در این میان، گسترش مصرف‌گرایی از غذاهای فوری لذیذ گرفته تا بازی‌های کامپیوتری، گوشی‌های موبایل و... ازطریق اداره جوامع سرمایه‌داری با تکیه بر ابرمایش‌های هوشمند انجام می‌شود.

واکنش

عدم استقبال سؤال برانگیز

نبی‌اله عشقی‌ثانی

و هم فکری با یکدیگر خدشه‌دار شده است؟ آیا به شنیده‌شدن نظرات و پیشنهاداتشان دچار تردید هستند؟ آیا انتظارات این تشکل‌ها چیزی بیش از حضور چهار نماینده در این شورای اجتماعی مربوط به خودشان است؟ آیا در مورد زمان، شیوه و روش برگزاری انتخابات نقدی دارند؟ آیا این حضور و مشارکت را امری تشریفاتی تلقی می‌کنند؟ درحالی‌که تشکل‌های مردم‌نهاد باید پاسخ‌گوی مؤسسان، اعضا، جامعه هدفشان و مردم باشند. باوجوداین در حد انتظار در جلسه انتخابات شرکت نمی‌کنند. این پرسش‌ها و دیگر سؤال‌ها باید توسط سازمان امور اجتماعی کشور در میان گذاشته شود و با حضور نمایندگان تشکل‌ها، خبرگان و کارشناسان مباحث اجتماعی مورد بررسی و تجزیه‌وتحلیل قرار گیرد و از نتایج آن برای اصلاح فرایندهای تصمیم‌گیری استفاده شود، زیرا عدم شرکت اشخاص در انتخاباتی که موضوع آن از جمله علایق شخصی آنان است و مستقیماً حیات اجتماعی و مسئولیت‌های تشکل‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، مبحثی نیست که بتوان به سادگی آن را به فراموشی سپرد.

✳ **عضو هیئت‌مدیره شبکه ملی**

خبریه‌های حامی ایتم

چگونه سرمایه‌داری مغز ما را به گروگان می‌گیرد



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

اینترنت قرار بود شبکه‌ای ارتباطی بین همه مردم جهان ایجاد کند و مایه تعامل و تعاون بین آنها باشد، بساط دیکتاتوری‌های ریز و درشت را برچیند و به تعمیم دموکراسی کمک کند؛ اما چنین نشد و اینترنت نیز در اختیار تأمین حواج سیری‌ناپذیر غول‌های تجاری قرار گرفت. شبکه‌هایی اجتماعی مانند توئیتر و فیس‌بوک نیز در جهت تعمیم سودآوری سریع و سیری‌ناپذیر سرمایه، ازطریق ایجاد نیازهای کاذب و تقویت مدارهای کوتاه لذت‌جویی زودگذر مغز در اکثریت جامعه به‌کار گرفته شد. در این میان، بدیهی است که جمع‌آوری و آنالیز اطلاعات کلان از شخصی‌ترین رفتار افراد و فروختن آنها به حاکمان سرمایه‌داری به‌منظور تقویت پایه‌های تبعیض و بی‌عدالتی به کار گرفته شود. ساختن الگوریتم‌های اطلاعاتی کلان برای پیش‌بینی سیاست‌گذاری‌های سودآور در این راستا انجام می‌شود. اگر در چین نظام امتیازدهی اجتماعی برای تعیین شهروندان مورد اعتماد درست می‌شود، مشخصاً برای به‌کنترل‌گرفتن رفتار مردم است. همین‌طور تمایل به اینترنت ملی در کشورهایی مانند روسیه و چین و دیگر کشورها، به‌دلیل تعمیم دموکراسی و گردن‌نهادن به خواسته‌های متنوع توده‌های مردم نیست، بلکه هدف کنترل گردش اطلاعات به‌منظور تأمین حاکمیت سرمایه‌داری نوین به اشکال مختلف است. اصول حاکمیت جهانی سرمایه، در تمامی کشورها با کمک تکنولوژی دیجیتالی و شبکه‌های اینترنتی وابسته، فرای مذهب و باور غالب جامعه، خود را با سیاست‌های محلی منطبق می‌کند تا به سودهای دلخواه برسد. وائسل قیمی، فعال اینترنتی که در جریان بهار عربی باور داشت می‌توان جامعه مصر را با وجود اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، به آزادی و دموکراسی رساند، در اشتباه بود. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در جنبش‌های اجتماعی با به‌کارانداختن مدارهای کوتاه و سریع هیجانی مغز، توجه و تمرکز را به گروگان گرفته و این تحركات اجتماعی را به سود سرمایه‌داری به بیراهه بکشانند. واکنش سریع و توأم با ترس و خشم ناشی از این گروگان‌گیری هیجانی، نتیجه‌ای جز برقراری مجدد حاکمیت بی‌رحمانه‌تر و قلع و قمع نیروهای بالقوه مقاوم در برابر بی‌عدالتی نظام سرمایه‌داری حاکم نخواهد داشت. در این میان، میبلغان و توسعه‌دهندگان سرمایه‌داری نوین با جمع‌آوری اطلاعات کلان از نحوه رفتار آنی و هیجانی مردم و آنالیز آنها برای سرکوب‌های مهندسی‌شده جنبش‌های آزادی‌خواهانه آینده استفاده می‌کنند.

باید هوشیار بود و گول نخورد. تکنولوژی دیجیتالی در کنترل غول سرمایه‌داری امروز درپی آن است که توجه ناآگاه مغز ما را با گرفتارکردن آن در مدارهای کوتاه لذت و ترس آتی به گروگان بگیرد و ما را در این محفظه تنگ زندانی کند تا از توانایی‌های خیال‌انگیز، خلاقانه، اندیشه‌مندانه و رهایی‌بخش مغزمان محروم بشویم. یاد بگیریم که از تکنولوژی دیجیتالی برای اهداف رهایی‌بخش از چنبره سودجویی ناعادلانه نظام سرمایه‌داری جهانی استفاده کنیم. البته که این مهم آسان نیست. اولین قدم، آگاهی به شرایط موجود اسارت در چنبره سرمایه‌داری نوین است. پیداکردن راه‌های مقاومت و مبارزه بسیار سخت است و به همت همگانی و برنامه‌ریزی طولانی نیاز دارد؛ باید تمامی پتانسیل‌های خیال‌پرور، حافظه‌ساز و خلاق مغز عاطفی منعطف و مقاوم خود را به‌کار اندازیم، راه دشوار است و مبارزه سنگین.

جان برای نان

روزهای برفی کولبرها



داریوش مودبیان

چرا باید نوجوانان و جوانان کولبری کنند، آن هم در شرایطی سخت که جانشان را برای یک لقمه نان به خطر بیندازند؟ این سؤال هریک از ماست. چرا در کشوری که سرمایه دارد، و به‌اصطلاح سرمایه‌های زیرزمینی و ملی دارد، نان‌درآوردن باید سخت باشد؟ چرا باید فرزندان پاک این سرزمین راه‌های پرخطرری را بروند و خودشان را به خطر بیندازند؟ دردآور است و کار ساده‌ای هم نیست. این کاری که اینها می‌کنند؛ کولبری کار روزانه اینها شده است و هر روز هم هستند کسانی که دچار درسهایی می‌شوند که ما از آن بی‌خبریم و گاهی نیز یکی فوت می‌کند و خانواده‌ای چنین برخوردهایی می‌کند و با انتشار عکس و برگزاری مراسم مردم را آگاه می‌کند. این در حالی است که اینها در تیرس مسائل و برخورد‌های مری هستند و گاهی زخمی و کشته می‌شوند. چرا باید چنین اتفاقاتی بیفتد؟ این پرسشی است که باید بارها از خودمان و مسئولانمان داشته باشیم که در نهایت بتوانیم پاسخی برایش پیدا کنیم. نمی‌شود چشم بست روی اینکه این جوان‌ها چرا باید به هر لیلی کشته شوند؟ باید دید این جوان‌ها چه می‌خواهند؟ و چرا نباید کاری برایشان درست شود؟ درصدی از همین جوان‌های کشورمان از ایران مهاجرت می‌کنند. خودم یک‌بار در سفری خارج از ایران بودم و می‌دیدم که این جوان‌ها با چه سختی‌ای خود را به آنجا می‌رسانند و آن‌وقت آیا پذیرنداشن و در اردوگاه و کمپ مهاجران اقامت کنند برای چندسال که بعدها بتوانند در همان کشور ساکن شوند؟ نمی‌شود گفت که تقصیر خودشان است، چون برخی می‌گویند چرا نمی‌مانند و همین‌جا کار نمی‌کنند؟ درحالی‌که باید پرسید که اگر کار بود، حتما نمی‌رفتند!؟



هر روز هم در مترو کودکانی را می‌بینیم که این بچه‌ها از کردستان و جنوب می‌آیند، همه این بچه‌ها با لهجه شیرینشان چیزی می‌فروشند یا آوازی می‌خوانند؛ یعنی کار مفیدی هم انجام نمی‌دهند و خرده‌پولی هم بیشتر دستگیرشان نمی‌شود، اما همه اینها برای یک لقمه نان به تهران آمده‌اند. تازه بعد از اینکه پایشان گرفت و جوان‌تر شدند، باید در همان مسیرهای سخت کولبری کنند؛ یعنی در خانواده‌ها همه، فرزندشان را برای چنین کار سختی آماده می‌کنند، چون غیر از این‌ها هم کاری از دستشان برنمی‌آید. ما الان هم تشکل تولید و کشاورزی داریم و اگر کارخانه‌ها فعال‌تر باشند، اینها جذب آنجا می‌شوند و اگر کشاورزی فعال‌تر باشد، اینها می‌توانند با کار کشاورزی خود را تأمین کنند.

بنابراین اینها مجبورند برای یک لقمه نان تن به هر کار سختی بدهند. پس سرسنگی هست و اینها باید این راه‌های دراز پیر از برف را بروند. اینها با جانشان بازی می‌کنند و باید با مشقت کار کنند. باید آن قدر بگوییم که چاره‌اش را بباییم و نمی‌شود برای حل آن کارهای مسکن انجام داد؛ برای مثال بین راه پناهگاه ساخت که اینها چای بخورند و خودشان را گرم کنند یا لباس گرم تن اینها کنند. شاید من شوخی می‌کنم، اما نمی‌شود فقط هیجانی شد و باید علاوه‌بر اینکه عواطفی هم باشد و نسبت به این مسائل دلسوزی هم کرد، اما در کنارش نیاز به تعقل هم هست که بشود راهکار مؤثری را برای حل‌وفصل این‌همه بی‌کاری پیدا کرد. درواقع باید برنامه‌ریزی‌ای شد و همه قوادم مدرن باشیم و بر اساس قوانین بشود سرمایه‌های ملی را در این جهت به کار بیندازند و برنامه‌هایی پیوسته برایش باشد و هر روز بدتر از این نشود و امیدوارم چنین نباشد و با هم کار سازنده‌ای کنیم و کشورمان را با هم‌دیگر بسازیم که شاهد چنین بلایایی نباشیم.

به‌هرروی می‌دانیم که کولبری کار نامشروعی است؛ درست مثل همین راننده‌هایی که در تهران بی‌قاعده مسافرکشی می‌کنند و گران‌تر از نرخ معمول کرایه نیز می‌گیرند، چون به نظرشان نرزیس گران شده، هرچقدر بخواهند می‌توانند کرایه بگیرند و وقتی صدامیان هم درمی‌آید به خان می‌گویند ناچارند و باید نان زن و بچه‌شان را به خانه ببرند. بنابراین فعلاً پذیرفته‌ایم که کولبرها هم باشند که بتوانند نان بخورند، اما باید برایشان آن‌قدر فکر اساسی کرد که از این‌حال‌هوای دردناک بیرون بیایند و همه کار درست و مفید انجام دهند. همین‌طوری هم نمی‌شود فقط برای اینها گریه کرد و نمی‌شود بیجان‌زده شد و حتی تصمیم غیرمعقول و خشک هم برایشان گرفت که نباید اینها باشند و بگیروبیند را انداخت. باید مطالبه کرد و پرسید که درواقع بشود کاری مثبت و درست برای تأمین زندگی کولبرها پیدا کرد. به امید آن روز...